Original Article Open Access

The Iranian Association of Medical Law

Medical Law Journal

2025; 19: e30

Journal Homepage: http://ijmedicallaw.ir

The Bioethics and Health Law Institute

Principles of Government Intervention in Market Regulation and Mandatory Pricing in the Field of Medical and Health Goods with Emphasis on the Iranian Stock Exchange and Securities Law

Seyed Amir Ardalan Najafi[1], Kourosh Ostovar Sangari[1*], Khadijeh Shojaeian[1]

1. Department of Public Law, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: One of the most important goods offered on the commodity exchange market is medical goods, while joint-stock companies that are involved in medical and therapeutic activities also offer their shares on the stock exchange market. However, given the importance of medical and health goods for citizens, it is possible for the government to intervene in it based on the competencies and powers it has to enter the capital market. Market regulation and mandatory pricing of goods and services is one of the most strategic issues in both economics and law and Imami jurisprudence.. The objectives pursued in this research are, first, to explain the principles of government intervention in regulating the medical and health goods market, second, to examine the various aspects of the approach of the Iranian Stock Exchange Law towards medical and health goods

Method: The research method in this article is descriptive-analytical. In this regard, reliable library sources are used, especially the Iranian Stock Exchange Law and its relationship with the field of medical and health goods.

Ethical Considerations: In this research, ethical considerations including non-discrimination, observance of the principle of scientific integrity, guaranteeing the authenticity of the text and non-plagiarism have been followed and all phrases that belong to other writings have been respected by mentioning their original source.

Results: In the system of market regulation and mandatory pricing of goods and services, based on the fourth principle of the constitution, which states that all laws and regulations must be based on Imami jurisprudence, it is stipulated that rules such as the rejection of the mustache, respect for the life and property of Muslims and the rule of doing no harm must be implemented in the field of market regulation and mandatory pricing of goods and services in the Iranian legal system. Although in the field of market regulation and mandatory pricing of goods and services, today, based on the Fourth Development Plan of the Islamic Republic of Iran, market regulation and mandatory pricing of goods and services is carried out in the form of floating management, what is being implemented in essence is market regulation and mandatory pricing of goods and services.

Conclusion: In any case, the result of the present study is based on the fact that: the criteria governing the determination of market regulation and mandatory pricing of health-oriented goods and services by the government from a legal-economic perspective are such things as upstream laws, ordinary laws, central bank guidelines, as well as inflation rates, gross domestic product rates, economic and social interests, global market regulation and mandatory pricing of goods and services, etc..

Keywords: Market Regulation; Medical Goods; Health Services; Government Intervention; Mandatory Pricing

Corresponding Author: Kourosh Ostovar Sangari; **Email:** Kourosh_ostovar_s@yahoo.com

Received: December 23, 2024; **Accepted:** April 19, 2025; **Published Online:** August 17, 2025

Please cite this article as:

Najafi SAA, Ostovar Sangari K, Shojaeian KH. Principles of Government Intervention in Market Regulation and Mandatory Pricing in the Field of Medical and Health Goods with Emphasis on the Iranian Stock Exchange and Securities Law. Medical Law Journal. 2025; 19: e30.

Copyright©2025, the Authors. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format for any purpose, even commercially) and Adapt (remix, transform and build upon the material for any purpose, even commercially) under CC BY 4.0 terms.

دسترسی آزاد

مجله حقوق پزشکی

دوره نوزدهم، ۱۴۰۴

Journal Homepage: http://ijmedicallaw.ir

مبانی مداخله دولت در تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری در حوزه کالاهای پزشکی و سلامت با تأکید بر قانون بورس و اوراق بهادار ایران

سیدامیراردلان نجفی[۱]، کوروش استوارسنگری[۱*]، خدیجه شجاعیان[۱]

۱. گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مهم‌ترین کالاهایی که در بازار بورس کالاها ارائه می‌شوند، کالاهای پزشکی هستند، ضمن اینکه شرکت‌های سهامی نیز که در زمینه فعالیت‌های پزشکی و درمانی هستند، سهام خود را در بازار بورس ارائه می‌نمایند. با این حال، نظر به اهمیتی که کالاهای پزشکی و سلامت برای شهروندان دارد، ممکن است که دولت بنا به صلاحیت‌ها و اختیاراتی که برای ورود به بازار سرمایه دارد، در آن مداخله نماید. تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات یکی از مسائل بسیار راهبردی هم در علم اقتصاد هم در علم حقوق و هم در فقه امامیه است، اگرچه در لیبرال‌ترین حکومت‌ها، مداخلاتی در حوزه تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات صورت می‌گیرد، اما ماهیت، شرایط و مبانی تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات در هر یک از نظام‌های حقوقی با یکدیگر متفاوت است. اهدافی که در این تحقیق دنبال می‌شوند اولاً تبیین مبانی مداخله دولت در تنظیم بازار کالاهای پزشکی و سلامت؛ ثانیاً بررسی ابعاد مختلف رویکرد قانون بورس و اوراق بهادار ایران نسبت به کالاهای پزشکی و سلامت.

روش: روش تحقیق در این مقاله، توصیفی ـ تحلیلی است. در این راستا، از منابع معتبر کتابخانه‌ای به ویژه قانون بورس و اوراق بهادار ایران و ارتباط آن با حوزه کالاهای پزشکی و سلامت استفاده می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق، ملاحظات اخلاقی اعم از عدم تبعیض، رعایت اصل امانتداری علمی، تضمین اصالت متن و عدم سرقت علمی مورد تبعیت قرار گرفته است و کلیه عبارت‌هایی که به نوشتارهایی دیگر تعلق دارند، با ذکر منبع اصلی آن‌ها مورد احترام قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها: در نظام تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات بر مبنای اصل چهارم قانون اساسی که کلیه قوانین و مقررات باید مبتنی بر فقه امامیه باشند، تصریح می‌شود که قواعدی مانند نفی سبیل، احترام به جان و مال مسلمانان و قاعده لاضرر باید در حوزه تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات در نظام حقوقی ایران پیاده شود، اگرچه در حوزه نرخ‌گذاری تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات، امروزه بر اساس برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران، تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات به صورت مدیریت شناورشده صورت می‌پذیرد، اما آنچه که در ماهیت در حال اجراشدن است، تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات کنترلی بوده است.

نتیجه‌گیری: در هر صورت، نتیجه تحقیق حاضر مبتنی بر این امر است که: ضوابط حاکم بر تعیین تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات سلامت‌محور توسط دولت از نظر حقوقی ـ اقتصادی مواردی مانند قوانین بالادستی، قوانین عادی، دستورالعمل‌های بانک مرکزی و نیز نرخ تورم، نرخ تولید ناخالص داخلی، مصلحت‌های اقتصادی، اجتماعی، نرخ‌گذاری‌های جهانی تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات و... می‌باشد. روش‌های تعیین تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات به سه صورت کلی، یعنی تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات باثبات، قیمت‌گذاری شناور کالاها و خدمات و قیمت‌گذاری شناور کالاها و خدمات مدیریت شده است.

واژگان کلیدی: تنظیم بازار؛ کالاهای پزشکی؛ خدمات سلامت؛ مداخله دولت؛ قیمت‌گذاری دستوری

نویسنده مسئول: کوروش استوارسنگری؛ **پست الکترونیک:** Kourosh_ostovar_s@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳؛ **تاریخ‌پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۱/۳۰؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۴/۰۵/۲۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Najafi SAA, Ostovar Sangari K, Shojaeian KH. Principles of Government Intervention in Market Regulation and Mandatory Pricing in the Field of Medical and Health Goods with Emphasis on the Iranian Stock Exchange and Securities Law. Medical Law Journal. 2025; 19: e30.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

مقدمه

امروزه بهداشت و سلامت را می‌توان از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه اقتصادی در هر کشوری مورد نظر قرار داد و از آنجا که دسترسی کافی تقاضاکنندگان به خدمات سلامت از معیارهای مهم توسعه‌یافتگی در هر کشور محسوب می‌شود، شناخت روند قیمتی و تحولاتی که در بازارهای مالی در حوزه سلامت و درمان واقع می‌شوند، از اهمیت والایی برخوردار می‌باشد (۱).

بازار آزاد بر پایه مفروضاتی بنا نهاده شده است که بر اساس آن، کنشگران بازار با برخورداری از عقلانیت در انتخاب، از این قابلیت برخوردارند که سود و منفعت خود را به حداکثر ممکن برسانند. همچنین بر مبنای این گزاره‌ها، اطلاعات کامل بازار در اختیار تمامی ذی‌نفعان وجود دارد و بازار نیز بدون دخالت دولت، از طریق نیروهای درونی خود، به تنظیم‌گری می‌پردازد که نهایتاً به تأمین منافع عمومی و اجتماعی نیز منتهی می‌گردد. بر این مبنا، بازار آزاد بر تبادلات آزادانه و اختیاری افراد متکی است و از این طریق به عملکرد خود ادامه می‌دهد (۲). در حال حاضر، یکی از مهم‌ترین مباحث مطروحه روز دنیا به ویژه در کشورهای توسعه‌یافته، بحث دولت تنظیمی بوده که به عقیده بسیاری از حقوقدانان و اقتصاددانان معاصر، دولت فعلی در کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند ایالات متحده آمریکا و انگلستان، حدوداً از دهه ۸۰ میلادی به بعد به شکل متفاوتی نسبت به دولت رفاه ظهور کرده است و در شرایط فعلی از مبانی فکری دولت رفاه به صورت کامل فاصله گرفته و شکل نوینی از انواع دولت‌ها را به وجود آورده است (۳)، پس از این که نظام برتن وودز (Bretton Woods) در سال ۱۹۷۳ فرو پاشید، مداخله دولت در تنظیم بازار و تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات، از جمله در حوزه‌های پزشکی و دارویی در اکثر کشورها به صورت شناور یا شناور مدیریت‌شده تعیین شد و تلاش شد که در مطالعات علمی و تصمیم‌سازی، عوامل مؤثری که بر تعیین تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات در سطح کشورها تأثیر می‌گذارند، شناسایی شود. تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات را می‌توان تعیین قیمت واحد پول رایج یک کشور بر اساس پول رایج کشور دیگر دانست. از این رو نرخ مزبور می‌تواند به عنوان مبنایی برای تبدیل پول رایج یک کشور به پول رایج دیگر استفاده می‌شود (۴).

ضرورت‌ها و دلایل اهمیت‌زای مختلفی برای تحقیق در حوزه مداخله دولت و قیمت‌گذاری دستوری در حوزه کالاها و خدمات سلامت‌محور با تأکید بر قانون بورس اوراق بهادار وجود دارد، اولاً اینکه پس از اینکه حدود ۴ دهه از قیمت‌گذاری دستوری در حوزه کالاها و خدمات سلامت‌محور می‌گذرد، اینک فرصت مناسبی است که در ارتباط با شیوه‌های قیمت‌گذاری و آثار آن صحبت شود و این امر مورد تدقیق قرار بگیرد که آیا این قیمت‌گذاری دستوری دارای آثار مثبتی بوده است؛ ثانیاً کالاها و خدمات سلامت‌محور، همیشه جزء کالاهای اساسی بوده‌اند و هرگونه قیمت‌گذاری دستوری در این حوزه، بایستی با لحاظ تمامی شرایط صورت بگیرد.

نظریات مختلفی در حوزه تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات مطرح شده‌اند. برای نمونه از نظر کاهش و افزایش تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات، دو نظریه مطرح شده‌اند. برخی با این استدلال که افزایش تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات، می‌تواند به افزایش صادرات و کاهش صادرات منتهی گردد که این امر نهایتاً کسری بودجه دولت را رفع می‌نماید؛ از افزایش تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات طرفداری می‌نمایند. گروهی دیگر با این استدلال که تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات یک متغیر کلیدی است که در اقتصاد هر کشور نقش ایفا می‌نماید و هرگونه تغییر در آن، موجب تغییر در متغیرهای کلان اقتصادی از جمله تورم، بهره‌وری، رفاه مردم و... می‌گردد، بر کاهش تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات پافشاری می‌نمایند (۵).

همچنین از نظر قدمت، نظریات تعیین تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات مشتمل بر دو دسته‌اند: نظریه‌های سنتی که بر اساس جریان تجارت و برابری قدرت خرید ارائه شده‌اند که تغییرات تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات را در بلندمدت تفسیر

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

می‌کنند و نظریات جدید که بر اهمیت بازارهای سرمایه و گردش بین‌المللی آن جهت تفسیر نوسانات نرخ‌های مبادله تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات در کوتاه‌مدت و گرایش آن‌ها به خارج‌شدن از تعادل کوتاه‌مدت تأکید دارند، ولی تا امروز یک نظریه جامع که ادغام این دو باشد و نظریه واحدی را جهت تعیین تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات ارائه کند، به طور کامل ارائه نشده است.

یکی از الگوهای که به صورت سنتی در ارتباط با نرخ‌گذاری تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات مطرح می‌شود، نرخ برابری تعادلی تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات است که تکیه اصلی و عمده آن در ارتباط با جریان‌های کالا و خدمات است. بر اساس این رهیافت، نرخ برابری تعادل تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات را می‌توان نرخی دانست که در آن، صادرات و واردات یک کشور، تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدماتشان با یکدیگر برابر می‌شود، نتیجتاً باید گفت در شرایطی که تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات واردات یک کشور از صادرات آن افزون گردد، کشور با کسری تجاری مواجه شد و از این رو نرخ مبادله تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات افزایش پیدا می‌کند (۶).

همچنین نظریه فوق‌الذکر بر اساس این فرض استوار است که نرخ مبادله‌ای پول میان دو کشور واردکننده و صادرکننده، نسبتی از سطح کلی و عمومی قیمت‌ها در آن دو کشور است. به عبارت دیگر، بر مبنای یک قانون قدیمی، زمانی که یک کالا یا خدمات بر اساس یک پول سنجیده می‌شود، بایستی در دو کشور یک قیمت برابر داشته باشد. با این حال، این نظریه نمی‌تواند بیان‌کننده واقعیت اقتصاد باشد، چراکه وجود واقعیاتی همچون هزینه‌های حمل و نقل، تعرفه‌های تجاری و محدودیت‌های دیگر را نادیده می‌انگارد (۷).

از نظر سوابق تحقیقاتی که در حوزه مداخله دولت در زمینه بورس کالاهای پزشکی صورت گرفته است، می‌توان گفت که اگرچه به صورت کلی در این زمینه تحقیقاتی صورت گرفته است و حتی در ارتباط با بازار بورس، تحقیقاتی صورت گرفته است، اما این تحقیقات نیز ناظر بر کالاهای پزشکی و سلامت نبوده‌اند. در هر صورت، می‌توان به تحقیقات زیر اشاره داشت:

صفی‌خانی (۱۳۹۹ ش.) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقدهای وارده به مداخله دولت در اقتصاد» در پی این بوده است که به نوعی مصالحه میان دو گرایش کاملاً متضاد حکمرانی، یعنی دولت‌محور و خودتنظیمی ایجاد نموده و در همین راستا، پس از اینکه مبانی نظری مداخله دولت و مبانی نظری عدم مداخله مورد اشاره قرار گرفت، به شاخصه‌های نظام مردم‌سالار و دموکراتیک اشاره می‌نماید که اصل بر عدم مداخله دولت است. در هر صورت، در این مقاله، هیچ اشاره‌ای به بورس کالاهای پزشکی نشده است.

اسدی و همکاران (۱۳۹۸ ش.) در مقاله‌ای تحت عنوان «مفهوم و جایگاه تنظیم‌گری اقتصادی با تأکید بر پاسخگویی به جرائم بورسی» به این نکته پرداخته است که در وهله نخست باید به شناخت اصول حاکم بر نظام تنظیم‌گری اقتصادی و ابزارهای آن، پرداخت و سپس به مؤلفه‌های تنظیم‌گری اقتصادی دولت در عرصه جرم‌انگاری بورسی پرداخته است. در هر صورت، این مطالعه، اگرچه در حوزه مداخله دولت در زمینه بورس صورت گرفته است، اما در حوزه کیفری صورت پذیرفته است.

روش

روش تحقیق در این مقاله، توصیفی ـ تحلیلی است و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و به صورت فیش‌برداری استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

کالاها و خدمات سلامت‌محور، جزء کالاها و خدمات اساسی تلقی می‌شوند که شیوه قیمت‌گذاری دستوری و مداخله دولت در آن‌ها عمدتاً به شکل تخصیص ارز ترجیحی یا دولتی صورت می‌پذیرد، البته قیمت‌گذاری دستوری و مداخله دولت در عرصه این کالاها و خدمات اساسی و بنیادین، نتوانسته است مانع از افزایش قیمت این کالاها و خدمات در بازار آزاد و توفیق دولت و بالاخص بانک مرکزی در تخصیص تمامی ارز مورد نیاز ترجیحی در این بخش شود. بدیهی است که مداخله دولت و قیمت‌گذاری دستوری در حوزه کالاها و خدمات سلامت‌محور، اگرچه می‌تواند در کوتاه‌مدت موجب تثبیت قیمت بازار داروها و ملزومات پزشکی شود، اما در میان‌مدت و بلندمدت حتی برای بازارهای بین‌المللی ایران نیز مخرب است، چراکه شرکت‌های خارجی فعال در حوزه صنعت دارو را به این رهنمون هدایت می‌نماید که تبعیض میان عملکرد دولت در قبال شرکت‌های دارویی و سلامت‌محور داخلی و خارجی می‌باشد.

بحث

۱. دلایل مداخله دولت و قیمت‌گذاری دستوری در حوزه کالاهای پزشکی

۱-۱. حباب‌های قیمتی در حوزه کالاها و خدمات پزشکی: بازار سلامت ایران از ویژگی‌هایی برخوردار است که از زمره آن می‌توان به حبابی‌بودن قیمت‌ها در آن اشاره نمود. حبابی‌بودن قیمت‌ها در حوزه کالاهای پزشکی و سلامت از چند وجه مشخص می‌باشد: اولاً اینکه از مجموع هزینه‌هایی که در حوزه سلامت صورت گرفته است، حدوداً ۸۰ درصد آن به خدمات درمانی و دارو اختصاص پیدا نموده است؛ دوم اینکه در طی بازه زمانی سال‌های ۹۰-۱۳۸۱، هزینه‌های سلامت به قیمت جاری از رشد متوسط ۲۶/۵ درصد برخوردار بوده است و با توجه به شرایط عمومی که در کشور وجود دارد، از جمله در حیطه تورم و افزایش قیمت کالاها و خدمات در حوزه سلامت بر اساس قیمت سال ۱۳۸۳، به شکل متوسط ۷/۴ درصد افزایش پیدا کرده است؛ سوم اینکه بررسی هزینه‌های سلامت طی بازه‌های زمانی ۹۰-۱۳۸۱ نشان می‌دهد که اگرچه سهم هزینه‌های تولید ناخالص داخلی از رشد باثباتی برخوردار بوده است، اما ترکیب هزینه‌های انجام‌شده در حوزه سلامت نشان می‌دهد که در مقابل هزینه‌های صورت‌گرفته، بهره‌وری پایینی صورت گرفته و عمده این هزینه‌کردها صرف افزایش قیمت‌ها و حباب‌های قیمتی شده است (۴).

۲-۱. تبلیغات گمراه‌کننده در حوزه کالاها و خدمات سلامت در بازار بورس اوراق بهادار: تبلیغات گمراه‌کننده در بازار بورس اوراق بهادار به ویژه در حوزه کالاها و خدمات سلامت‌محور همواره نقش مهمی در قیمت‌گذاری این کالاها و خدمات و تصمیم‌گیری مشتریان دارد. بر همین اساس است که قانون بورس اوراق بهادار و دستورالعمل تبلیغات شرکت‌های کارگزاری و برخی دیگر از قوانین و مقررات به این موضوع توجه داده‌اند. با این وجود تبلیغات گمراه‌کننده در حوزه کالاها و خدمات سلامت در بازار بورس اوراق بهادار از اهمیت بیشتری برخوردار است، چراکه موجب بالارفتن محصولات سلامت‌محوری می‌شود که از کیفیت لازم برای حفظ جان بیماران برخوردار نیست و این امر در سطوح بالا می‌تواند منتهی به خریدهای گزاف از سوی مشتریان شود و سهام شرکت‌های سلامت‌محوری را افزایش دهد که خدمات آن‌ها نه‌تنها نمی‌تواند کمکی به وضعیت بیماران نماید، بلکه در این زمینه مضر به حال آن‌ها نیز می‌باشد (۸).

۲. شیوه‌های مداخله دولت و قیمت‌گذاری دستوری در حوزه کالاها و خدمات سلامت‌محور

قیمت‌گذاری دستوری و مداخله دولت در عرصه کالاهای سلامت‌محور، از جمله دارو و تجهیزات پزشکی عموماً در ارتباط با کالاهای سلامت‌محوری صورت می‌پذیرد که ارز حمایتی دریافت می‌نمایند. به عبارت دیگر، ارز حمایتی از سال ۱۳۹۷ به کالاهای اساسی همچون دارو، تجهیزات پزشکی، مواد خوراکی و... اختصاص پیدا کرده است تا این کالاها دچار افزایش قیمت نشده و مردم در تأمین کالاهایشان دچار مشکلات اساسی نشوند. بر همین مبنا است که در ارتباط با کالاها و خدمات سلامت‌محور نیز کمیسیون قیمت‌گذاری بر مبنای تورم موجود در ابتدای هر سال خورشیدی و حاشیه سودی که برای تولیدکنندگان این کالاها یا ارائه‌دهندگان خدمات سلامت‌محور وجود دارد، نسبت به

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

تعیین قیمت خاصی اقدام می‌نماید. با این حال، به نظر می‌رسد که چالش‌های مهمی در این زمینه وجود دارند، از جمله اینکه قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات سلامت‌محور به صورت سالیانه صورت می‌پذیرد. این در حالی است که کالاها و خدمات سلامت‌محور هر سال برای چندین بار افزایش پیدا می‌کنند، به نحوی که برای نمونه در صورتی که قیمت ابتدای سال برای کالاهای اساسی ۴۲۰۰ مشخص شده بود، اما در مقطعی، این ۴۲۰۰ به ۲۸۵۰۰ افزایش پیدا کرد که زیان گسترده‌ای به تولیدکنندگان تجهیزات پزشکی وارد آورد.

۳. آثار مداخله دولت و قیمت‌گذاری دستوری در حوزه کالاها و خدمات سلامت‌محور: اگرچه تصمیم‌های دولت‌های مختلف در ایران نسبت به قیمت‌گذاری دستوری و مداخله در حوزه کالاها و خدمات سلامت‌محور دارای تأثیر تثبیت قیمت‌ها برخوردار بوده است، اما آثار بسیار مخربی نیز با خود به همراه داشته است، از جمله بانک مرکزی در تخصیص ارز ترجیحی یا دولتی به شرکت‌های فعال در حوزه سلامت دارای محدودیت است، این در حالی است که تمامی این شرکت‌ها خواه آن شرکت‌هایی که مبادرت به دریافت ارز ترجیحی نموده‌اند، چه آن‌هایی که در این زمینه ارز ترجیحی نگرفته‌اند یا ارز ترجیحی به صورت کامل دریافت نکرده‌اند، ملزم به احترام به قیمت دستوری در حوزه کالا یا خدمت سلامت‌محور خاصی شوند. از سوی دیگر، قیمت‌گذاری دستوری موجب می‌شود که با توجه به کمبود ارز تخصیص‌یافته، نهایتاً کالاها و خدمات در سطح محدود در حوزه سلامت مشمول قرار بگیرند و نهایتاً نوعی ناترازی در حوزه عملکرد شرکت‌های سلامت‌محور پدید می‌آید.

۴. مفهوم‌شناسی مداخله دولت در تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات: از نظر نظام حقوقی ایران، تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات بایستی دارای سه ویژگی باشد که اولاً پول باشد؛ ثانیاً بایستی رواج داشته باشد؛ ثالثاً بایستی به یک کشور خارجی متعلق باشد (۹). مفهوم تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات در این گفتار از نظر حقوقی، فقهی و اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. از نظر حقوقی: از منظر نظام حقوقی ایران، تعیین تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات توسط بانک مرکزی و به صورت انحصاری صورت می‌پذیرد. این بدان‌معناست که نرخ رسمی تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات همیشه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود و هیچ نهاد یا شخص حقیقی یا حقوقی دیگر، اجازه ندارد تا در این تعیین تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات مداخله نماید. از این رو تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات در نظام حقوقی ایران بر اساس عرضه و تقاضا مشخص نمی‌شود. بنابراین نمی‌توان تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات را بازخوردی از اقتصاد واقعی ایران دانست.

۴-۲. از نظر اقتصادی: تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات که بدان نرخ تسعیر نیز اطلاق می‌شود، دلالت بر مقدار پولی می‌نماید که یک دولت در ازای خرید یا تبادل مالی یک تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات خارجی، از جمله دلار، یورو، پوند و... می‌پردازد. تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات از این رو مهم می‌نماید که داد و ستد میان کشورها مستلزم این است که پول میان کشورها داد و ستد شود و داد و ستدهایی که در بازار تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات ایجاد می‌شود، تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات را تعیین می‌کند. در بازار قیمت‌گذاری کالاها و خدمات، دو نوع معامله صورت می‌پذیرد که یکی معامله نقدی است و دیگری معاملات تحویل آتی است. به منظور انجام معامله نقدی از روش تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات آنی و به منظور انجام معاملات تحویل آتی از روش تنظیم بازار و قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات آتی استفاده می‌شود. در زمانی که واحد پول یک کشور از قیمت‌گذاری کالاها و خدمات بیشتری برخوردار باشد، کالای تولیدی آن کشور در خارج از کشور از قیمت بیشتری برخوردارند. بنابراین کالاهای خارجی در آن

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

کشور از قیمت‌گذاری کالاها و خدمات کمتری برخوردارند و زمانی که قیمت‌گذاری کالاها و خدمات واحد پول یک کشور افت نماید، کالاهای خارجی در آن کشور گران‌تر و کالاهای صادراتی از آن کشور، قیمت‌گذاری کالاها و خدمات هستند.

از این رو نرخ یا قیمت‌گذاری ریالی کالاها و خدمات به معنای میزان ریالی است که دولت ایران در ازای خرید یک واحد پول جهانی می‌پردازد. با این حال، قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات می‌تواند به صورت بیش قیمت‌گذاری کالاها و خدمات و کم‌قیمت‌گذاری کالاها و خدمات صورت بپذیرد. بیش قیمت‌گذاری کالاها و خدمات و کم‌قیمت‌گذاری کالاها و خدمات زمانی صورت می‌پذیرد که مبالغ ریالی پرداختی برای تبادل مالی یک واحد پولی جهان‌شمول کمتر از قیمت‌گذاری کالاها و خدمات واقعی آن باشد.

۵. مبانی مداخله دولت در تنظیم بازار کالاهای خدمات پزشکی و سلامت با تأکید بر قانون بورس اوراق بهادار

۵-۱. مبانی حقوقی: می‌توان نظم عمومی را اصلی‌ترین مبنای مداخله دولت در عرصه تعیین قیمت‌گذاری کالاها و خدمات توسط دولت دانست. نظم اقتصادی که یکی از مصادیق نظم عمومی را تشکیل می‌دهد، به این معناست که دولت باید از تمامی ابزارها و امکانات خود به منظور تنظیم بازار اقتصادی استفاده نماید. از آنجا که یکی از جنبه‌های بازار اقتصادی، بازار قیمت‌گذاری کالاها و خدمات است، لذا از دولت انتظار می‌رود که در جهت تأمین نظم عمومی، به بازار قیمت‌گذاری کالاها و خدمات ورود پیدا کند. «از آغاز قرن بیستم که عقاید اجتماعی طرفداران بسیاری یافته و دولت‌ها در تمام شئون زندگی اقتصادی و اجتماعی اشخاص به نام حفظ مصالح عمومی مداخله می‌کنند، روز به روز دامنه قواعد مربوط به نظم عمومی گسترش می‌یابد. دولت برای حفظ یا برقراری مجدد تعادل اقتصادی بین طرفین قرارداد و برای جبران ضعف مصرف‌کنندگان در برابر سرمایه‌داران بزرگ، همه‌روزه بر شمار قوانین امری می‌افزایند و پاره‌ای از قراردادها به صورت یک نهاد حقوقی ثابت درآمده و نقش حکومت اراده در آن بسیار ناچیز است.»

نظم عمومی در کنار قانون به عنوان یکی اصول اساسی حاکم بر انواع حوزه‌های حقوقی، از جمله در زمینه جرائم اقتصادی از آن یاد می‌شود. تأثیر نظم عمومی در حوزه‌های مختلفی، از جمله حوزه حقوق قراردادها می‌باشد. برای نمونه، قانون مدنی ما نیز در ماده ۹۷۵ خود متعرض این موضوع شده است.

«محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده یا به واسطه جریحه‌دارکردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود، به موقع اجرا گذارد، اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.»

در رابطه با محتوای نظم عمومی بین حقوقدانان اتفاق نظر وجود ندارد، عده‌ای مفهوم آن را با مفهوم منافع عمومی پیوند می‌زنند، عده‌ای دیگر مفهوم نظم عمومی را به مفهوم مصلحت اجتماعی نزدیک می‌کنند که البته خود این ملاک‌ها مورد انتقاد عده‌ای از حقوقدانان قرار گرفته است.

«دولت باید در انجام وظایف خود از قواعد خاصی پیروی و نظمی را رعایت کند، مانند نظم در اساس سیاست، نظم در امور اداری، در خانواده و در زندگی اقتصادی. پس وقتی می‌گویند قاعده‌ای مربوط به نظم عمومی است، مقصود این است که آن قاعده در شمار اصولی است که مسیر حرکت دولت را در این راه مشخص می‌کند، طبیعی است که در جامعه‌ای منظم اشخاص نباید توانایی آن را داشته باشند که با تراضی خود، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، این نظم را بر هم زنند. بنابراین در بیان یکی از مهم‌ترین اوصاف نظم عمومی، می‌توان گفت نظامی است که رعایت آن به پیروی همگان وابسته است.»

ملاک‌های نظم عمومی از یک زمان به زمان دیگر و از یک جامعه به جامعه دیگر دائماً در حال تغییر است، کما اینکه در مبحث قبل بیان شد که دیوان کشور فرانسه قرارداد یک پزشک را با یک آزمایشگاه، به طور عجیبی مخالف نظم عمومی خواند و در این خصوص استدلالاتی را نیز مطرح ساخت. از همین رو برای شناخت بهتر نظم عمومی تقسیم‌بندی‌های مختلفی از نظم حقوقی در کتب حقوقی ارائه شده است: عده‌ای نظم عمومی را تقسیم کرده‌اند، به نظم

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

عمومی مصرح در قوانین کشورها و نظم عمومی که به طور ضمنی حاکم بر نظام حقوقی یک کشور است و در خصوص آن، منبعی نوشته وجود ندارد. به نظر می‌رسد این تقسیم‌بندی از نظم عمومی و پذیرفتن آن به عنوان روح حاکم بر نظام حقوقی یک کشور، باب تفسیرهای مختلف و سلیقه‌ای قضات را در این خصوص باز خواهد کرد و به نوعی می‌توان گفت ارکان تشکیل‌دهنده جرم اقتصادی از این طریق مخدوش خواهد شد، چه‌بسا یک دادرس در مقام بررسی یک قرارداد، با سطحی‌نگری و بدون در نظرگرفتن تحولات سیاسی، اقتصادی و رویدادهای زندگی اجتماعی و اصل استحکام معاملات، حکم به مخالفت این قرارداد با نظم عمومی جامعه دهد. بدیهی است که این اختلاف سلیقه، خود مخل نظم عمومی است تا اینکه مدافع آن محسوب شود (۱۰).

عده‌ای دیگر نظم عمومی را به نظم عمومی سیاسی و نظم عمومی اقتصادی تقسیم کرده‌اند؛ نظم عمومی سیاسی مانع از این امر است که طرفین در قرارداد خود مواردی را بگنجانند که در تعارض با نهادهای اساسی و خط و مشی کلی حکومت قرار گیرد. دولت‌ها وظیفه هدایت کلی اقتصاد هر جامعه را نیز بر عهده دارند، البته در قرن‌های اخیر دولت‌های سرمایه‌داری بیشترین توجه را در مورد اقتصاد بخش خصوصی و کاستن از مداخله دولت تا حداقل ممکن در این حوزه داشته‌اند، اما این بدان‌معنی نیست که اگر دولت در بعضی از زمینه‌ها احساس کند که اقشاری از جامعه نیازمند حمایت هستند، از این حمایت دریغ کند (۱۱). در اکثر کشورها، دولت‌ها در قراردادهای کار برای خود راه ورود و اعمال نظارت و هدایت را باز گذاشته‌اند، در زمینه حمایت از قشر مصرف‌کننده نیز هم در ایران و در کشورهای پیشرفته قوانین مختلفی در این خصوص به تصویب رسیده است و در زمینه‌های مختلف دولت‌ها به مقابله با شروط گزافی پرداخته‌اند که به نوعی نظم عمومی اقتصادی را مختل می‌کرد (۱۲).

۵-۲. مبانی اقتصادی: از نظر اقتصادی، در تعیین قیمت‌گذاری کالاها و خدمات سه نظریه اصلی وجود دارد که عبارتند از:

۵-۲-۱. نظریه رویکرد کشش‌ها: بر مبنای این نظریه، نرخ برابری تعادلی قیمت‌گذاری کالاها و خدمات، بر اساس کشش بازار مشخص می‌شود. کشش یک مفهوم اقتصادی است که به معنای واکنش ذی‌نفعان که عمده آن‌ها مصرف‌کنندگان و مردم عادی هستند، در قبال تغییرات قیمت در یک کالا یا خدمات است که در اینجا قیمت‌گذاری کالاها و خدمات است (۱۳)، البته کشش خود چند سطح دارد که یکی از آن‌ها کشش قیمتی، دیگری کشش درآمدی و نهایتاً کشش متقاطع. برای نمونه، کشش قیمتی در زمینه قیمت‌گذاری کالاها و خدمات به این معناست که تا چه میزان تقاضا نسبت به یک قیمت‌گذاری کالاها و خدمات خاص با تغییرات در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات، اعم از افزایش یا کاهش، بیشتر یا کمتر شده است (۱۴). در این راستا، معیارهایی برای بیشتر یا کمترشدن کشش قیمتی در زمینه قیمت‌گذاری کالاها و خدمات وجود دارد، به نحوی که در صورتی که کشش قیمتی یک قیمت‌گذاری کالاها و خدمات خاص، صفر باشد، تقاضا در زمینه آن قیمت‌گذاری کالاها و خدمات خاص، اصطلاحاً بی‌کشش است، به این معنا که تغییرات قیمت قیمت‌گذاری کالاها و خدمات نتوانسته است بر میزان تقاضا در زمینه قیمت‌گذاری کالاها و خدمات تأثیر بگذارد، در صورتی که کشش قیمتی میان صفر و یک باشد، تقاضا را می‌توان کم‌کشش دانست، به این معنا که در صورتی که اگر قیمت‌گذاری کالاها و خدمات، یک درصد افزایش یابد به همان میزان، یک درصد از تقاضاها در زمینه قیمت‌گذاری کالاها و خدمات قیمت‌گذاری کالاها و خدمات کاهش می‌یابد یا بالعکس (۱۵).

۵-۲-۲. نظریه برابری قدرت خرید: نظریه دیگری که در زمینه تعیین قیمت‌گذاری کالاها و خدمات مطرح شده است، نظریه برابری قدرت خرید است (۱۶). نظریه برابری قدرت خرید بر این اساس استوار است که از آنجا که قیمت کالاها و محصولات متعددی در تعیین قیمت‌گذاری کالاها و خدمات در دو جامعه داخلی و مبدأ قیمت‌گذاری کالاها و خدمات مهم می‌باشد (۱۷)، این قیمت‌ها با یکدیگر سنجیده و برابر می‌شود برای نمونه قیمت مواد اولیه در اقتصاد ایران و اقتصاد آمریکا با

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

یکدیگر سنجیده می‌شوند و بر این اساس، قیمت‌گذاری کالاها و خدمات سنجیده می‌شود (۱۸)، البته این نسبت‌ها در کالاها و خدمات در جامعه داخلی و مبدأ قیمت‌گذاری کالاها و خدمات در کوتاه‌مدت در نظر گرفته نمی‌شود (۱۹)، بلکه در بلندمدت است که مورد نظر است برای نمونه نسبت قیمت‌ها در مواد اولیه در اقتصاد ایران و اقتصاد آمریکا در پنجاه سال گذشته (۲۰).

نتیجه‌گیری

قانونگذار ایرانی همسو با رویکرد سایر کشورها به منظور شفاف‌سازی بازار اولیه و ثانویه اوراق بهادار، نظارت مؤثر بر بازارهای مالی و مداخله احتمالی در آن و رفع موانع در زمینه توسعه بازار، در سال ۱۳۸۴، قانون را تحت عنوان قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران با الگوبرداری از مدل قوانین آمریکایی به تصویب رسانید. از آنجا که این قانون به دنبال بحران مالی آمریکایی از روی قوانین آمریکا تدوین شده بود و در آن، دولت آمریکا ضمانت اجراهای کیفری و غیر کیفری متعددی برای نظارت بر بازارهای مالی، از جمله بورس پس از آن بحران تعیین نموده بود، قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴ نیز اختیارات متعددی برای دولت به منظور مداخله قرار داده است. ضوابط حاکم بر تعیین قیمت‌گذاری کالاها و خدمات توسط دولت از نظر حقوقی ـ اقتصادی مواردی مانند نرخ تورم، نرخ تولید ناخالص داخلی، مصلحت‌های اقتصادی، اجتماعی، نرخ‌گذاری‌های جهانی قیمت‌گذاری کالاها و خدمات و... می‌باشد. نکته‌ای که در این زمینه وجود دارد، آن است که تحریم‌های اقتصادی و کاهش فروش نفت در طول دهه‌های گذشته، موجب شده است که قیمت‌گذاری کالاها و خدمات ایران تا حدود زیادی تابعی از این دو مؤلفه باشد. این موضوع به ویژه از زمان خروج ایالات متحده آمریکا از برجام شکل تازه‌تری به خود گرفت، به نحوی که از آنجا که قیمت‌گذاری کالاها و خدمات ایران عمدتاً بر مبنای دلار صورت می‌گیرد، بازگشت تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا علیه ایران، موجب نوسانات قیمت‌گذاری کالاها و خدمات شدید شد، البته باید گفت که از نظر فقه اسلامی، مداخله دولت در عرصه قیمت‌گذاری کالاها و خدمات باید به صورت حداقلی و تنها در موارد ضرورت صورت بگیرد، اما اینکه از پیش از انقلاب تاکنون، سیاست‌های بانک‌های مرکزی ایران به کرات نمایانگر آن بوده است که مداخله در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات به صورت یک تکلیف درآمده است و از حالت استثنایی و ضروری خارج شده است. در اینجاست که تعارض میان رویکرد فقهی و رویکرد اقتصادی در حوزه مداخله دولت در اقتصاد شکل می‌گیرد. به نظر، نمی‌توان یک وضعیت درازمدت مداخله دولت در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات را به عنوان یک وضعیت استثنایی در نظر گرفت.

نکته‌ای که در این زمینه مهم می‌نماید، آن است که اگرچه سیستم برتن وودز در دهه ۷۰ میلادی فرو پاشید که در آن به روش قیمت‌گذاری کالاها و خدمات به صورت ثابت پافشاری می‌شده است و حتی از دهه ۸۰ خورشیدی نیز دولت ملزم گردید تا قیمت‌گذاری کالاها و خدمات را به صورت شناور مدیریت‌شده صورت دهد، اما همچنان این قیمت‌گذاری کالاها و خدمات به صورت ثابت در عمل در جریان است.

مشارکت نویسندگان

سیدامیراردلان نجفی: نگارش، جمع‌آوری مطالب و رفع ایرادات.
کوروش استوار سنگری: نگارش و نظارت بر اصلاحات.
خدیجه شجاعیان: نظارت بر اصلاحات.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

نویسندگان اعلام می‌دارند که در نگارش هیچ یک از بخش‌های این مقاله، از هوش مصنوعی استفاده نکرده‌اند.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

References

1. Edwards S. The problem of regulating price setting of goods and services in developing countries. Translated by Farzinvash A. Tehran: Monetary and Banking Research Institute; 1994. [Persian]

2. Gorji E, Mirsepassi M. Price setting of goods and services: theoretical review of business cycles and causes of their emergence in Iran's economy. Tehran: Business Publishing and Printing Co.; 2002. [Persian]

3. Yazdanpanah A. Effects of unifying price setting of goods and services on the national economy. Tehran: Nazari Publications; 2013.

4. Asadi H, Mahdavipoor A, Rezvani S. The Concept and Position of Economic Regulation with Emphasis on Accountability for Exchange crimes. Journal of Islamic Legal Research. 2020; 20(2): 473-498. [Persian]

5. Bagheri M, Sadeghi M. Ḥisbah: Hisba as a Foundation of Islamic Economic Law: Regulation of Competition in Competition and non-Competition Markets. Encyclopedia of Economic Law. 2013; 20(4): 78-103. [Persian]

6. Pourkiani M. Examining the Hierarchy of Price setting in the Pricing System of public managers in Iran. Jamiat Quarterly. 2018; 54(8): 43-61. [Persian]

7. Hosseini M. Ethics and Competition Law in the Pharmaceutical Industry. Iranian Journal of Medical Ethics and History. 2016; 9(1): 178-190. [Persian]

8. Economic Studies Office. Theories of Price Setting in Iran: Considerations and Challenges. Tehran: Research Center of the Iranian Parliament (Majlis); 2023. [Persian]

9. Atefimanesh R. Classification of Price Setting Regimes in OIC Countries and Recommendations for Iran’s Regime. Journal of Financial and Economic Policies. 2015; 3(10): 67-90. [Persian]

10. Abbasian E, Moradpour O, Mehregan N. The Impact of Real Price Uncertainty on Economic Growth. Journal of Economic Research. 2012; 6(98): 90-105. [Persian]

11. Ezzati Shorgoli A, Khodaveysi H. Estimating the Pass-through Degree of Price Setting to Domestic Prices in Iran: An Application of Time-varying Parameter Models. Economic Research Quarterly. 2021; 21(1): 38-52. [Persian]

12. Aziznejad S, Komijani A. Price Changes and Their Effect on Macroeconomic Volatility in Iran. Economic Research Quarterly. 2017; 17(1): 79-92. [Persian]

13. Mohammadzadeh Asl N, Hasannejad K, Sarkhil SH. The Impact of Financial Development Channels on Price Volatility and Economic Growth. Journal of Financial Economics. 2017; 10(37): 93-110. [Persian]

14. Samsami GH. National Price Setting Policies and Framework for Determining Prices. Monthly Review of Iran’s Economic Issues and Policies. 2011; 3(4): 14-28. [Persian]

15. Me'iri F. The Effect of Monetary Shocks in Price Setting on Major Economic Activities in Iran. Journal of Economic Research (Growth and Sustainable Development). 2018; 18(2): 214-230. [Persian]

16. Mirahosseini MS. Use of Purchasing Power Parity Rate and Its Difference with Market Price Setting. Monthly Review of Economic Issues and Policies. 2011; 9(2): 90-110. [Persian]

17. Najafi B, Bargadan A. Factors Affecting Real Price Setting in Iran's Economy Using ARDL Model. Political-Economic Journal. 2019; 6(169): 113-130. [Persian]

18. Yavari K. Criteria for selecting a price setting system suitable for Iran’s economic conditions: competition and inflation. Tehran: Proceedings of the Annual Conference on Monetary and Pricing Policies, Central Bank of Iran; 2000. [Persian]

19. Yavari A. An Introduction to the Concept of Legal Regulation. Comparative. Legal Studies Quarterly. 2021; 5(2): 189-210. [Persian]

20. Motaharpour M. Anti-competitive Transactions in Iranian Law: A Comparative Study with Shiite Jurisprudence and French Law. Tehran: Imam Sadiq University, Department of Islamic Studies and Law; 2012. [Persian]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.